22722 ـ حکم جمع شدن برای دعا و قرائت قرآن

سوال

در مصلای دانشگاه ما بر سر جمع شدن برای دعا اختلاف رخ داد. اینطور که اجزای قرآن بین اشخاص حاضر توزیع شود و هر کس جزء مخصوص به خودش را بخواند و به این صورت همه‌ی قرآن خوانده شود و سپس برای هدف معینی مانند موفقیت در امتحانات دعا کنند. آیا چنین روش دعایی در شریعت وارد شده است؟ خواهش می‌کنم پاسختان با استناد به قرآن و سنت و اجماع سلف باشد.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

این سوال از دو بخش تشکیل شده:

نخست:

حکم جمع شدن برای تلاوت قرآن، به این صورت که هر یک از حاضران در یک آن یک جزء را بخواند تا آنکه همه جزء خودشان را تمام کنند.

پاسخ این سوال در فتاوای کمیسیون دائم (۲/ ۴۸۰) آمده که نص آن چنین است:

«اولا: جمع شدن برای تلاوت و مدارسه‌ی قرآن به این صورت که یکی قرآن بخواند و دیگران گوش دهند و آنچه را خوانده‌اند مدارسه نمایند و به فهم معانی‌اش بپردازند، امری است مشروع و باعث قربت به خداوند که آن را دوست دارد و برایش پاداشی جزیل عطا می‌کند، چرا که مسلم در صحیح خود و ابوداوود از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده‌اند که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: (گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خداوند جمع نمی‌شوند که کتاب الله را بخوانند و آن را میان خود مدارسه نمایند مگر آنکه آرامش بر آنان نازل می‌شود و رحمت آنان را در بر می‌گیرد و ملائکه آنها را فرو می‌پوشانند و الله آنان را نزد کسانی که پیش اویند یاد می‌کند).

و دعا پس از ختم قرآن نیز مشروع است، جز آنکه نباید بر آن مداومت نمود و همیشه صیغه‌ی خاصی را به عنوان دعا خواند که انگار سنتی است مورد پیروی، زیرا این از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ ثابت نشده و بلکه فعل برخی از صحابه ـ رضی الله عنهم ـ است.

همینطور دعوت کسانی که در قرائت حاضر شده‌اند به غذا اشکالی ندارد مادامی که عادت قرار داده نشود.

ثانیا: توزیع اجزای قرآن در بین حاضران که هر یک برای خودش حزبی از قرآن را بخواند ضرورتا برای هر یک از آنان یک ختم قرآن به حساب نمی‌آید.

و قصد قرائت برای تبرک نوعی قصور [و کج‌فهمی] است زیرا قرائت قرآن به قصد قربت و حفظ و تدبر و فهم احکام قرآن و عبرت گیری و به دست آوردن اجر و پاداش و عادت دادن زبان به تلاوت آن و دیگر فوائد است، وبالله التوفیق».

دوم:

این اعتقاد که چنین کاری (جمع شدن برای تلاوت قرآن به روشی که ذکر کردید) اثری در پذیرش دعا دارد، دلیلی برایش نمی‌دانیم و مشروع نیست. اجابت دعا اسباب بسیاری دارد که معلوم است، همانطور که موانع پذیرش دعا معروف است. بنابراین واجب آن است که دعاگو اسباب اجابت را فراهم سازد و موانعش را برطرف کند و نسبت به پروردگارش حسن ظن داشته باشد چرا که الله نزد گمان بنده‌اش هست.

نکته: دلیل از کسی خواسته می‌شود که امری از مور شرعی را ثابت نماید، وگرنه در مورد عبادات چنانکه اهل علم تقریر نموده‌اند، اصل بر منع است تا آنکه دلیل بر مشروعیت آن ثابت شود. بنابراین دلیل بر عدم مشروعیت چنین اعتقادی همین نبودن دلیل است.

والله تعالی اعلم.